



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعید افغانی د سولې او تفاهم، نشراتی ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنیزه، علمی، فرهنگی و نشراتی ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعید افغانی : آزاده ، ټولنیزه، علمی ، فرهنگی او نشراتی ارگان ته ښه راغلاست !

نوښته : مولانا ډاکټر محمد سعید « سعید افغانی »

تاریخ نشر مجدد : ۱۳ سپتمبر ۲۰۱۴ میلادی

قضا و قدر جبر و اختیار

قضا و قدر عبارت از آن عملیه و فیصله تخلیقی و تکوینی خداوند متعال است که در ازل علماً و تخلیقاً و تکویناً راجع به مخلوق خویش نموده اند .

موضوع قضا و قدر در تمام ادیان آسمانی مطرح بحث قرار داده شده چنانچه همه ادیان آسمانی انبیا و رسل عقیده قضا و قدر را به پیروان خویش تقدیم نموده و فلاسفه ادیان راجع به آن بحث می نمایند.

باید بگویم که این موضوع در همه ادوار ادیان از جمله مسایل پیچیده بوده که بحث و دقت در آن نظر به تغییرات پیروان ادیان آسمانی شخصی فکور رابه مشکلات مواجهه میسازد

موضوع قضا و قدر در صدر اسلام :

از آیات قرانی و احادیث نبوی «ص» معلوم میشود که دین اسلام پیروان خود را به عقیده قضا و قدر دعوت کرده و گفته که ایمان به قضا و قدر داشته باشید و از طرف دیگر حضرت محمد صلی الله علیه و سلم بحث زیادی را راجع به قضا و قدر منع قرار داده و بالمعنی گفته است که بعضی اقوام و ملل به اثر بحث زیاد در قضا و قدر هلاک و تباہ شده اند .

قابل تذکر است و قتیکه من « سعید افغانی » : موضوع قضا و قدر را مطالعه می نمودم در اول من هم به یک سلسله معضلات و اشتباهات مواجه شدم و به خود میگفتم که چرا حضرت محمد صلی علیه و سلم و دین اسلام ؛ از یک طرف عقیده قضا و قدر را به پیروان خود تقدیم میکند و از طرف دیگر بحث را در آن تا حدی ممنوع قرار میدهد .

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی

استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعید افغانی » با ذکر مأخذ آن آزاد است

صفحه : « 1 »

مگر؛ پس از دقت فهمیدم که آن وقت حضرت محمد صلی علیه و سلم حیات بود و رسالت شان را به معجزات دست داشته ثابت کرده، پس حاجت نبود که پیروان و آنائیکه همه شان یک سان نبود در چنین مسایل غامض وقت خود را صرف کرده و از کارهای حیاتی و مدنی باز مانند.

البته خطاب ممانعت بحث در قضا و قدر، به مسلمانان خاص به جماعت متوجه بوده که رسول صلی علیه و سلم آنها را منع نموده اند نه به آن علمای اسلامی که از اسلام دفاع مینمایند و در مقابل منکرین ادیان و اسلام قرار دارند و همچنان خطاب مذکور متوجه آن علمای اسلام نبوده که پیروان اسلام را از تذبذب عقیده خلاص و رها مینمایند و آن شکوک و اشتباهات مخالفین ادیان و اسلام را نابود می سازند که موجب بی عقیده گی میگردد.

بنآ؛ اگر من راجع به قضا و قدر بحث مینمایم، منظور من تنها و تنها همین است که حقیقت را تا جایکه میتوانم روشن ساخته و در تحکیم عقیده خدمت نمایم.

اراء و افکار مهم راجع به قضا و قدر :

۱- **جبریه** : فرقه جبریه میگفتند که بشر را اختیار و حریت در کارهای خود نبوده بلکه بشر جبراً و کرهآ مکلف است که موافق به قضا و قدر حرکت کند.

چون این عقیده مخالف اساسات اسلام بود و موجب بیعقیده گی میگردید بنآ؛ علمای اسلام در برابر عقیده فرقه جبریه مخالف نمودند و با استدلال به اثبات رساندند که مسلمانان باید از عقیده جبریه اجتناب نمایند.

۲- **قدریه** : فرقه قدریه میگویند : قضا و قدر را دخلی نیست، پس این عقیده هم مخالف اساسات اسلام بود. بنآ؛ علمای اسلام گفتند که تخلیق و تکوین مخلوقات و کاینات به قضا و قدر الهی تعلق دارد و مردم را در اصل تکوین و تخلیق دخلی نیست. زیرا؛ مردم تنها و تنها در کسب و کار و استفاده از مواد دست داشته مختار آفریده شده اند که آن را موافق به ضرورت به رنگ ها و صور مختلف تحول و تطور داده مورد استفاده گذارند.

۳- **جمهور حکما** : جمهور حکما میگویند : قضا و علم عنایه قدیم خداوند «ج» است که به مخلوق خویش نموده و به اثر آن تمام مخلوقات را به میان آورده و قدر خارج شدن مخلوقات است از علم بوجود.

۴- **بعضی حکما میگویند** : قضا عبارت از علم اجمالی و قدر از علم تفصیلی خداوند تعالی است.

۵- **ابوالبقا** : ابوالبقا یکی از علمای منطق در بحث کلیات میگوید : قضا عبارت از تصویر تمام اشیا است، اجمالاً و قدر تصویر تمام اشیا است، تفصیلاً.

۶- **محقق صدرالدین شیرازی** : این عالم معروف میگوید : قضا عبارت از اقتضای ازلی او تعالی است که موافق به آن موجودیات بمیان می آیند و قدر آن عملیه فعلیه است که موافق به آن بروز میکند.

۷- **محقق طوسی** : این عالم مشهور در شرح اشارات ابن سینا بعد از یک مقدمه ذکر کرده که قضا عبارت از وجود اجمالی تمام موجودات است در عالم عقلی به قسم ابراع « یعنی پیدا کردن اشیا بدون ماده و حوزه ، و قدر عبارت از وجود خارجی مفصل مواد است ، موافق به شرایط و موارد .

۸- **صاحب قسبات** : این عالم میگوید : قضا عبارت از آن نسبت فاعلی خداوند تعالی است که از روی علم و عنابه اجمالاً به طرف مخلوق خویش دارد و قدر همین نسبت فاعلی است که پس از تفصیل صورت میگرد .

۹- **صوفیه** : صوفیه کبار میگوید : قضا عبارت از آن فیض القدس است که به سبب آن موجودات و استعداد های اصلی آنها در علم اصلی بمیان آمده و قدر عبارت از آن فیض مقدس است که بواسطه آن موجودات در خارج با لوازم و لواحق آن پیدا شده .

۱۰- **امام رازی** : امام رازی در شرح قسم هفتم از اشارات ذکر کرده میگوید : قضا عبارت از آن مخلوق اولی خداوند تعالی است که سبب ایجاد دیگر مخلوق گردیده و قدر عباره از سایر مخلوقات است .

۱۱- **اشعری و جمهور اهل سنت** : اشعری و جمهور اهل سنت میگویند : قضا عبارت از اراده ازلی خداوند تعالی است و قدر عبارت از آن ایجاد خداوندی است که موافق به آن مخلوقات را طوریکه خواسته بروز میکند .

۱۲- **ماتریدی** : امام ماتریدی علیه رحمه میگوید : قضا عبارت از تخلیق و تکوین خداوند تعالی است و قدر عبارت از تقدیر و اندازه کردن است که موافق به آن مخلوقات و کاینات آراسته شده اند .

افکار بعضی مردم و مخالفین راجع به قضا و قدر :

بعضی مردم فکر میکنند که همه حرکات و سکنات ، مردم البته در قضا و قدر ثبت بوده و هر کاریکه از مردم جبر قضا بمیان آمده و برای بشر اختیار و قدرتی نیست که خلاف آن عمل نمایند ، پس چرا بشر را مسؤول قرار میدهیم ؟ و برای چه انبیا آمده و رسل مردم را رهنمایی مینمایند .

قوانین آسمانی و مدنی برای چه به میان آمده ؟ بالای مجرمین چرا احکام عقوبت صادر میشود درحالیکه انسان جبراً مرتکب اعمال گردیده است ؟

جنت و دوزخ برای چه است و چرا خداوند تعالی نیکوکاران را به جنت و تباه کاران را به دوزخ سوق میدهد ؟

مخالفین اسلام و ادیان آسمانی میگویند که عقیده به قضا و قدر انسان را عاقل و باطل میسازد و این عقیده موجب تاخر مدنیت میگردد . همچنان آنان میگویند که مسلمانان بواسطه این عقیده از دیگران عقب مانده اند و عقیده به قضا و قدر مسلمانان را نگذاشته است تا به اختراعات و اکتشافات جدید نایل گردند .

قضا و قدر از دیدگاه من :

من پس از تفکر و بعد از دقت و غور زیاد دریافتم که :
قضا و قدر الهی یکی از مسایل علمی خداوند تعالی است که نظر به علم قدیم خویش ، صدور افعال و کردار مخلوق خویش را ثبت کرده است .

طوریکه شما میدانید بشر نظر به معاذیر بشری نمیتواند راجع به فردا ، علم ثابت داشته باشد با آنچه که از حواس و احساس او غایب است و بفکر او نمیاید و نمیداند . پس؛ معذور است که علم به فردا و قرن بعدی را داشته باشد . یعنی ؛ بشر اکثراً ماوراء پرده را نمی داند و به کار هایکه غایب از او است و طرف آخر پرده دیوار و کوه قرار دارد معلومات متیقنی ندارد .

اما ؛ خداوند تعالی نظر به این عقیده که دارای تمام صفات کمالی و منزّه از همه عیوب و نواقص است و او فوق فردا و تمام ادوار ، قرنها و زمانها است و همه موجودات و مخلوقات تحت مشاهده اوست ، علم دارد که از مخلوقات او چه صادر میشود و در گذشته و فردا و تمام ادوار و قرنهای بعدی چه واقع شده و میشود !

پس ؛ اگر خداوند تعالی نظر به علم قدیم و ثابت خویش معلومات خویش را ثبت نموده و از قضا و قدر تعیین کند . معنی آن را ندارد که از بشر اختیار سلب کرده باشد.

زیرا ؛ خداوند تعالی در حوزه دنیا بشر را مختار آفریده و با وسایل « دست و پا و سایر اعضاء ، جوارح ، عقل و فکر » داده است تا به وسایل دست داشته خویش ، البته موافق به رهنمایی انبیاء و رسل طبق منطق و استدلال و تجارب ، کار و عمل نمایند .

شما میدانید که علم شما بالای یک شخص تاثیر کلی ندارد تا او مطلقاً موافق علم شما حرکت نماید ! شما تصور کنید که اگر یک شخص مثلاً بالای کوه قرار داشته باشد و هر دو طرف کوه را می بیند و از مشاهده خود به مردم هر دو طرف کوه خبر میدهد که فلان شخص اله جارحه را برداشته و فلان شخص را میزند .

ایا ؛ در همین صورت اگر آن شخص بواسطه الت جارحه دست داشته خود مرتکب جرم میگردد و یک انسان بیچاره را مورد حمله قرار داده و مجروح میسازد ، کدام نفر را مسؤول و ملزم میگویند ؟

آیا؛ ملزم شخص است که مرتکب جریحه گردیده و یا آن شخص است که از بالای کوه بمردم خبر داده که فلان شخص مرتکب چنان جریحه میگردد ؟

واضح است که ما آن شخص را دستگیر میکنیم که مرتکب جریحه گردیده و نه آن شخصی را که از بالای کوه به مردم خبر داده است ! بلکه خبر دهنده را باید مورد تقدیر قرار دهیم ، زیرا ؛ او میگوید که از این جریحه باید جلوگیری شود .

پس تصور کنید که مانند شخص مذکور ، بالای کوه خداوند تعالی قرار دارد و همه اعمال و کردار مخلوق بنزد او حاضر و شاهد است که در قضا و قدر خویش از آن معلومات داده است .

بنآ؛ اگر او تعالی در قضا و قدر خویش از اعمال و افعال مردم معلومات داده است ، معنی آن را ندارد که اختیار بشر را سلب کرده و بشر مختار آفریده نشده است .

بلکه حقیقت این است که : قضا و قدر عبارت از علم قدیم و ثابت خداوند تعالی بالای همه حرکات مخلوق است که به اختیار انسانها هیچ اثر منفی وارد نکرده و بشر نظر به عدم جبر و اکره به اختیار خویش با اینکه با وسایل داده شده و راه های ثواب و عقاب را میداند ؛ مسؤول حرکات و اعمال و کردار خود باشند .

بنآ اگر مرتکب اعمال نیک میشود ، معاونت الهی با او همنوا و مستحق ثواب و مکافات بوده و اگر مرتکب اعمال بد میشود ، موجب نارضایی الهی و مستحق جزا و عقاب میگردد .

فایده عقیده به قضا و قدر :

اگر مردم عقیده داشته باشند که خداوند تعالی به همه حرکات مخلوق عالم و دانا است و همه اعمال و کردار مخلوق در قضا و قدر معلوم و روشن بوده ! ضرور مردم از اختیار خویش استفاده نیک نموده در حوزه اختیار مرتکب اعمال نیک میشوند .

شما تصور کنید که اگر مردم از ته قلب عقیده داشته باشند که خداوند تعالی حاضر و شاهد اعمال ایشان است و اعمال آنها موجب ثواب و عقاب میگردد ، ضرور مساعی متعدد را در راه های خیر و سعادت بخرچ میرسانند .

بنآ ؛ آنهایکه مطلب قضا و قدر خوب نه فهمیده اند ، باید به فهمند که مسئله قضا و قدر آن طوری نیست که فرقه جبریه میگوید ! زیرا فرقه جبریه از بشر قطعاً اختیار و حریت را سلب کرده است و از جانب هم مخالفین اسلام از روی عناد و یا عدم غور و دقت در اسلام و ادیان آسمانی، عقیده قضا و قدر را سبب عطلت و عقبمانی معرفی می نمایند.

والله اعلم بالصواب.

داکتر سعید افغانی

۱۳۵۰ هجری شمسی - کابل - خیرخانه مینه

www.said-afghani.org - بارگشت به صفحه اصلی